

همراهان نازنین مجله‌ی رشد دانش آموز سلام

• رویا صادقی - کبری بابایی • تصویر گر: مهدیه صفائی نیا

مثل شماره قبل، داستانی را که تعدادی از دوستان شما با کلمه‌های «چوب جادو - خرطوم - لنگه جوراب...» نوشته و برای مجله خودشان ارسال کرده‌اند می‌خوانید



لنگه یاب

من لنگه جورابم را گم کرده بودم و دنبالش می‌گشتم. با خودم فکر کردم کاش یک چوب جادویی داشتم که جای لنگه جوراب را به من نشان می‌داد. به فکرم زد دستگاهی اختراع کنم که بتواند این کار را برایم بکند و اسمش را بگذارم «لنگه یاب». اما لنگه یاب یک عیب بزرگ داشت که تمام خانه را به هم می‌ریخت و زحمت من را چند برابر می‌کرد. آخر لنگه یاب مثل یک فیل بزرگ که با خرطومش همه چیز را می‌خورد، تمام وسایل اتاقم را جمع می‌کرد و من مجبور بودم آن‌ها را دوباره سرچایشان بگذارم. به خاطر همین تصمیم گرفتم بیش‌تر مرتب و منظم باشم و دیگر جورابم را گم نکنم که مجبور نشوم از این جور دستگاه‌ها اختراع بکنم.

محمد ایلیانیک فرجام کلاس پنجم از کرمان

جوراب تنها

یک روز فیلی کوچولو با دوستش مورچه کوچولو داشت توی جنگل راه می‌رفت. یک دفعه صدای گریه شنید. به مورچه کوچولو گفت: «تو هم صدای گریه را می‌شنوی؟» مورچه کوچولو گفت: «آره از پشت آن بوته است.» آن‌ها بوته‌ها را کنار زدند و دیدند یک لنگه جوراب تنها افتاده توی جنگل و دارد گریه می‌کند. فیلی کوچولو از لنگه جوراب پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟» لنگه جوراب گفت: «آخر لنگه‌ام گم شده است.» فیلی کوچولو گفت: «این که ناراحتی ندارد، با هم می‌گردیم و پیدایش می‌کنیم.» مورچه و فیلی شروع کردند به گشتن. فیلی کوچولو با خرطومش لای علف‌ها را گشت و مورچه کوچولو هم با یک چوب نازک زیر تمام برگ‌ها را نگاه کرد. یک دفعه چوب مورچه کوچولو به یک چیز نرم خورد و آن یکی لنگه جوراب را پیدا کرد. لنگه جوراب تنها خوش حال شد و به مورچه کوچولو گفت: «چه جوری این کار را کردی؟» مورچه کوچولو گفت: «با این چوب جادو!» فیلی و مورچه و دو تا لنگه جوراب زدند زیر خنده و با هم دوست شدند.

امیر مهدی دهقان کلاس پنجم از کرمان

مثل همیشه منتظریم ببینیم شما این داستان نیمه تمام را چگونه ادامه می‌دهید.

هیچ کس باور نمی‌کند ولی همسایه ما آدم عجیبی است. او می‌تواند پرواز کند، نامرئی شود و روی دیوار راه برود. من همه این‌ها را از پنجره خانه‌اش دیدم. امروز او توی کوچه ایستاده بود و...

از این دوستان گل متشکریم که داستان‌های زیبایشان را برای مجله خودشان ارسال کرده‌اند:

علی خرسند، آریین جهانمهر، بنیامین یاری، محمدحسین غفاری، امیررضا آزاده، پرهام جلیلی، محمدپارسا حاجیوند، محمدطاها حاجیوند، ارسلان زارعی، امیررضا هاشمی‌وند، امیرعلی هاشمی‌وند، راستین میرقاسمی، مهدیار الوندی، امیرحسام منزوی، آریا داوودی، علاء خورسند، ابوالفضل کریمی‌فر، سید امیر مهدی حسینی، رضا ابوالحسن، رامتین شکری، مانی نبیتی، امیراحمد ارکان، البرز پرنده‌دوش، بنیامین پورزارع اوغان، محمدجواد خدایی، امیر رامشینی، امیرحسین روشن، محمدحسین صابری، محمد صالحی زنجانی، امیرعباس صبری مرئی، علی عابدی، محمد فرضی پور، آراد وفایی از دبستان پاسداران اسلام کرج. محمد ایلیانیک فرجام، حسین اسدی‌فر، سپهر شهیدفروش، سید سپهر داد جلال‌الدینی، هومن صفا، حمیدرضا مشهدی، یاسین یزدانپناه، امیر مهدی دهقان، آیین افخمی، مازیار معزی نیا، پارسا فلاحت، کیاراد حجازی، شایان نیک‌اندیش، مبین فرقانی، آریا مرتضوی، پوریا باخدا، آراد دستور جهان‌داری، سبحان مرادعلی زاده، هادی خوارزمی، کسرا حسین‌نژاد، کیان صیدنژاد، پارسا تاج‌الدینی، فرهام ستاری، امیرعلی اسماعیلی کلاس پنجم از مدرسه هوشمند زکریای رازی کرمان.

نشانی ما:

تهران

سندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۵۶۷

مرکز بررسی آثار مجله‌های رشد

رایانامه: barresiasar@roshdmag.ir

